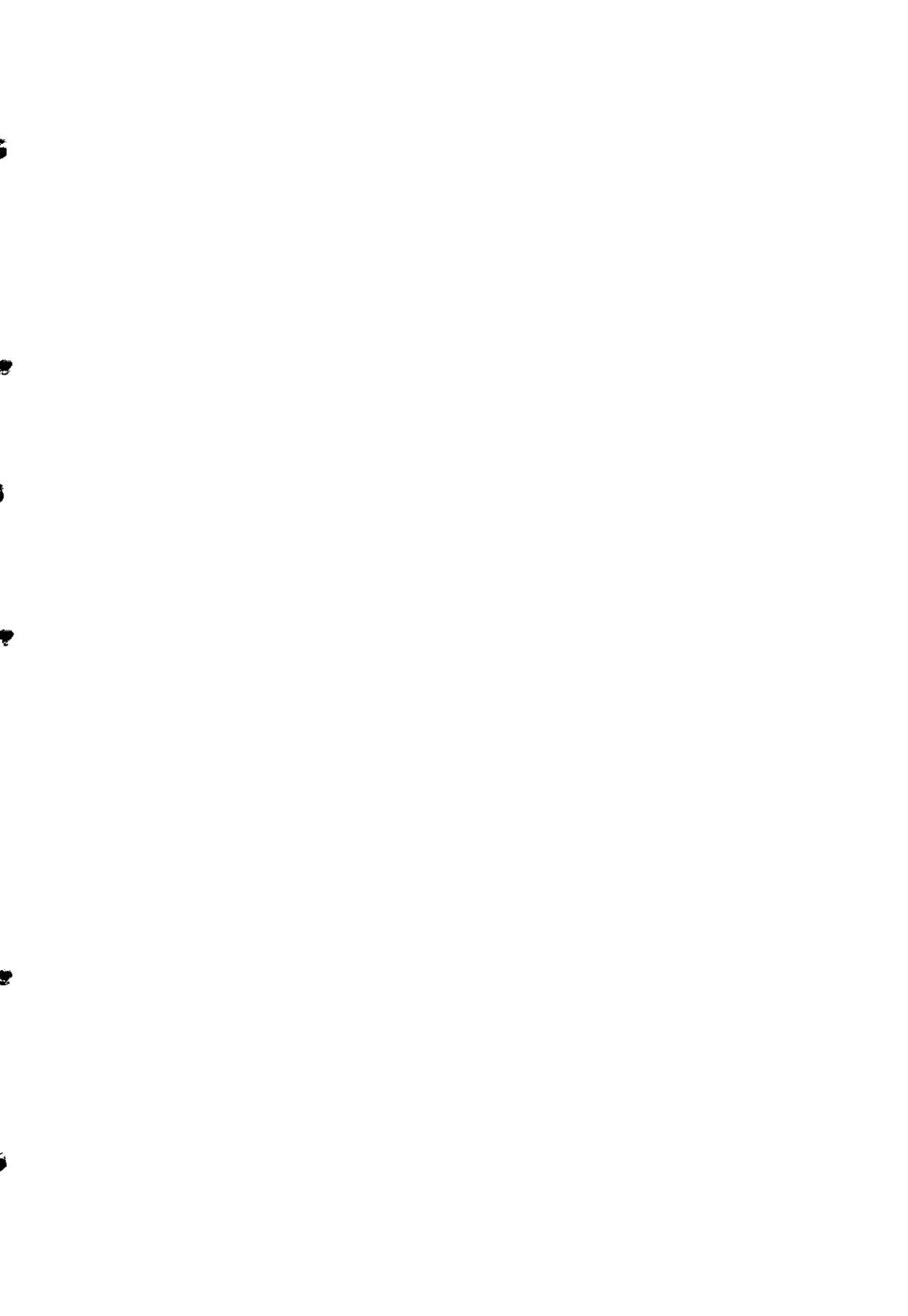


پایگاه تحقیقات اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی ایران

از: دکتر سیف‌الله سیف‌اللهی
دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی



پایگاه تحقیقات اجتماعی در برنامه ریزیهای اجتماعی-

اقتصادی ایران

۱ - چکیده

انسان، به عنوان موجود زیستی و نیازمند، در اثر شناخت محیط اجتماعی و زیستی توانسته است نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی خود را برطرف ساخته و خود و جامعه را توسعه و تکامل بخشد. هر چقدر شناخت انسان و تلاش وی برای شناخت از محیط دقیق تر و عمیق تر صورت می گیرد به همان اندازه بهره یابی وی از محیط بیشتر و در نتیجه دستیابی به زندگی انسانی امکان پذیرتر می گردد. مسلم است که شناخت دقیق و عمیق از محیط اجتماعی و زیستی مستلزم داشتن ابزارهای پیچیده فنی، علمی و شرایط مساعد اجتماعی - اقتصادی است.

در جهان امروز، برخی از جوامع به چنین زمینه مطلوب دست یافته اند و برخی در تلاش و حسرت دستیابی به آن هستند. راز و رمز چنین فرآیندی در ماهیت ساختاری سیستم اجتماعی است که انسان در آن قرار گرفته و با شیوه هایی به شناخت محیط خود نائل آمده و زندگی خود را تداوم بخشیده است.

در واقع ماهیت شناخت و مکانیسم های شناخت است که انسان امروزی را در رده های بسیار متفاوت از نظر توسعه اقتصادی - اجتماعی قرار داده است.

ما در این جا، ترفوق را در قالب و محتوای ویژه ای یعنی " پایگاه تحقیقات اجتماعی در برنامه ریزیهای اجتماعی - اقتصادی ایران " مورد بررسی قرار می دهیم.

۲ - مقدمه

پیچیدگی و گسترش مسایل اجتماعی - اقتصادی چند دهه اخیر، وظایف سنگین و پرمسئولیتی را بردوش محققان، برنامه‌ریزان و مدیران جامعه گذاشته است.

امروزه واقعیت مزبور با دو روند حساس زیر پیچیده‌تر شده و روز بروز نیز پیچیده‌تر می‌شود:
۱ - جوامعی که به سطح بیشتری در توسعه اجتماعی - اقتصادی دست یافته و آگاهی‌های علمی و فنی لازم را کسب کرده‌اند.

۲ - جوامعی که به سطح کمتری از توسعه اقتصادی - اجتماعی دست یافته‌اند و آگاهی‌های افراد آنها نیز نسبت به عاملیت و نقش انسان در فرآیند توسعه شکل مشخصی به خود نگرفته است، پایگاه تحقیقات اجتماعی در برنامه‌ریزی ویژه‌های ملی از محتوا و رنگ رقیبی برخوردار است.

نتیجه اینکه گروه اول از کشورها، برای تحقق اهداف توسعه اجتماعی - اقتصادی به طور جدی و الزامی به تحقیقات اجتماعی روی می‌آورند. زیرا که آنها از مهمترین عوامل و ارکان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌دانند. بنابراین آگاهانه‌تر، سنجیده‌تر، دقیق‌تر، باخطای کمتر و کارایی بیشتری به برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی می‌پردازند. روی این اصل است که برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی در چنین جوامعی با ضرب اطمینان بیشتر به اهداف خود دست می‌یابد.

در گروه دوم از جوامع، برعکس گروه اول، در اثر بی‌توجهی و احساس بی‌نیازی به تحقیقات اجتماعی، برنامه‌ریزی براساس تجربیات شخصی و یا تجربیات دیگران، که به صورت نظریه‌ها و الگوهای توسعه و برنامه‌ریزی القا می‌شود. صورت می‌گیرد. چنین رویه‌ای مدیریت جامعه را با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به مدیریت اجتماعی و بالعکس مواجه ساخته و یا می‌سازد.

ماحصل چنین روندی در گروه دوم از کشورها به شکست و یا عدم موفقیت کامل برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی، افزایش تنشهای اجتماعی، بی‌اعتقادی به علم، تکنولوژی، تخصص و بالاخره به رو در رویی با مدیریت جامعه منجر شده و یا می‌شود.

۳ - پایگاه تحقیقات اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه ایران

کشور ما تاکنون در گروه دوم از کشورهای مزبور قرار داشته است. از این رو تلاشهای عدیده دست اندرکاران و مدیریت جامعه با حداقل بهره‌دهی مواجه بوده است. علت این واقعیت دردناک را باید در بستر حیات اجتماعی و روند توسعه اجتماعی - اقتصادی ایران یعنی در ماهیت و کارکرد سیستم اجتماعی ایران جستجو کرد.

شناخت چنین بستر ناموزون و عناصر مشکله آن، از نظر توسعه اجتماعی - اقتصادی و برنامه‌ریزی در جهت بهره‌یابی بهینه از امکانات بالقوه و بالفعل جامعه به تحقیقات جامع، اکتشافی، کلان، ملی، - استراتژیک و واقع بینانه نیازمند است. زیرا، همانطوریکه در بالا گفته شد، پیچیدگی و گسترش مسائل اجتماعی - اقتصادی در ایران و جهان امروز و شتاب روز افزون آن، امکان توجیه کتمان، آزمایش و خطاهای مستمر و بیهوده و بی‌مسئولیتی‌ها را از بین برده است. بنابراین ضرورت توجه به تحقیقات اجتماعی برای برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی هم در بعد تحقیقات بنیادی و هم در بعد تحقیقات کاربردی نه تنها امری الزامی بلکه امری اجتناب ناپذیر می‌باشد.

توجه به این امر اجتماعی الزامی است: تا زمانی که میانی و ارکان تحقیق، یعنی وجود بستر سالم در زمینه‌های نیروی انسانی یا کادر تحقیقاتی کارآمد و دستگاههای اجرایی، برنامه‌ریزی و تحقیقاتی با بودجه و اعتبار مورد نیاز، قوانین و مقررات راهگشا و نه بازدارنده، همین طور ابزار و وسایل و واحدهای اطلاعاتی و... مهیا نباشد فعالیت‌های تحقیقاتی بار نخواهد نشست و از نتایج آن هم چنانچه باید و شاید، استفاده بهینه‌ی بی عمل نخواهد آمد.

- امروزه محققان، برنامه‌ریزان و مدیریت جامعه ما کم و بیش به نکته نظرهای فوق رسیده و در صدد تأمین آنها برآمده‌اند ولی تحقیقات اجتماعی در ایران با موانع ویژه‌ی مواجه است که بدون توجه به این موانع نمی‌توان تحقیقات اجتماعی را در خدمت برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی بکار برد. مهمترین و بنیادی‌ترین موانع تحقیق در ایران نهادی شدن تحقیق تفحص و تتبع و باور نداشتن به نقش تحقیقات اجتماعی در توسعه است.

باتوجه به نکته نظر فوق‌الذکر، باید اذعان داشت که نهادی شدن و باور داشتن به نقش تحقیقات اجتماعی در راهبری و تدوین پروژه‌های عمرانی به دو پیش زمینه بنیادی توسعه نیاز دارد:

۱ - احساس ضرورت و نیاز به تحقیقات و مطالعات اجتماعی در راهبردها و برنامه‌ریزیهای اجتماعی.

۲ - وجود فضای باز فرهنگی و اجتماعی جهت مطالعات و تحقیقات اجتماعی بطوریکه اگر نتایج برآمده از تحقیقات جنبه انتقادی داشت باسعه صدر و واقع بینانه مورد پذیرش قرار گیرد. چنین فضایی زمینه را برای ارائه طریقهای واقع بینانه و علمی فراهم می‌کند.

به نظر می‌رسد که پیش زمینه اول کم و بیش در ایران فراهم شده است بنابراین و بنا بر ضرورت، به یکی از ابعاد این قضیه یعنی موانع و مشکلات تحقیقات اجتماعی و علل عدم توجه و

بهره‌یابی شایسته از حاصل تحقیقات اجتماعی در برنامه‌ریزیهای اجتماعی - اقتصادی کشور اشاره‌ی مختصر می‌کنیم.

۴ - موانع اساسی در بهره‌یابی از تحقیقات اجتماعی در برنامه‌ریزیهای توسعه در ایران

بطور کلی، موانع و مشکلات تحقیقات اجتماعی و عدم امکان استفاده شایسته از آن در برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی در ایران را می‌توان از سه بعد و یا زاویه مورد بررسی قرار داد:

۱ - بعد اجتماعی، فرهنگی، روانی و تاریخی

۲ - بعد علمی

۳ - بعد سازمانی، اداری و انسانی

۱ - بعد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و روانی موانع تحقیق در ایران

به نظر می‌رسد که گره اصلی موانع و مشکلات تحقیق در ایران در این بعد، که در واقع به صورت نهادی و ساختاری درآمده، نهفته است. بنابراین تا زمانی که این معضل، یعنی موانع اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تحقیقات اجتماعی در ایران مورد تحلیل، تبیین و تفهیم قرار نگیرد و راه و چاره‌ای اساسی اندیشه نشود، گفتگو از تحقیق و گسترش آن حتی در جامعه علمی نیز تقریباً بیهوده است.

اهم این موانع عبارتند از:

۱ - بی‌توجهی به تحقیقات و عدم استفاده از نتایج تحقیقات در برنامه‌ریزیهای توسعه و تصمیم‌گیریها در ایران یک پدیده نهادی و ساختاری است. توضیح اینکه می‌دانیم هر پدیده و یا امر اجتماعی در اثر نیاز جامعه بدان دوام و قوام می‌یابد و در اثر تکرار و تداوم، بقای آن برای جامعه الزامی شده و در فرآیند روابط اجتماعی به صورت نهاد اجتماعی در می‌آید. در ایران برای "تحقیق" که یک پدیده، امر و نیاز اجتماعی است، چنین فرآیندی طی نشده است. روی این اصل است که فعالیت‌های فردی و جمعی در هر سطحی، بر بی‌نیازی به تحقیق، بی‌اعتنایی به راه‌آورد‌های تحقیق و بی‌توجهی به امر تحقیق استوار است. مگر اینکه اینگونه فعالیتها و اقدامات در عمل به بن‌بست برسند. در این صورت، سازمانها، به فکر تحقیق می‌افتند. البته آنهم از جهت فرار از واقعیتها، مسئولیتها و احتمالاً ترس از نكوهشها و مجازاتها.

اکثر مسئولان سازمانها و مدیران جامعه در طول تاریخ و حتی در دهه‌های اخیر با استفاده از استدلالها و موفقیت‌های خویش به اعمال نظرات شخصی و یا تجربه‌های شخصی پرداخته، و فرضیه‌های ذهنی و تجربه خود را داده‌های واقعی پنداشته، آنها را چون امر مسلم دانسته و تلاش کرده‌اند همانطور در جامعه پیاده کنند. غافل از اینکه پدیده‌ها، واقعیتها و مسائل اجتماعی امور بسیار پیچیده هستند و شناخت ابعاد و زوایای آن و هدایت جامعه در جهت اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی

موزون و درون‌زا نیازمند به تحقیق اکتشافی، جامع و همه‌جانبه است.

۲ - ۱ بی‌توجهی به تحقیقات در ایران نه تنها یک امر نهادی و ساختاری است، بلکه یک پدیده تاریخی، روانی و فرهنگی نیز هست. در واقع روحیه انفرادی، تنها کاری، کتمان جاهل تحقیقات از دیگران مانع بزرگی در انجام تحقیقات به صورت جمعی، گروهی و متشکل است. از طرف دیگر رفتارهای فردی و جمعی، در ارتباط با پدیده تحقیق به عنوان یک ضرورت اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی - علمی، حاکی از این واقعیت است که افراد عامی و حتی متخصص به ره‌آورد تحقیق و ضرورت آن چندان اعتقادی ندارند.

حال اگر در برخی سازمانها، تحقیقی صورت می‌گیرد، سازمان دیگر به راحتی دست خود را در تحریف آن باز می‌بیند. از بعد تاریخی نیز، ما موانع و مشکلاتی در راه شکل‌گیری اندیشه تحقیق و تفحص و بهره‌گیری از تحقیق در زندگی فردی و اجتماعی داشته‌ایم. در فرهنگ ما نبود بیان علمی و نبود بیان مستقیم و صراحت بیان در ادبیات شفاهی و مکتوب ما شهرت عام دارد. سانسور و خود سانسوری هم در فرهنگ و هم در وجود ما ریشه تاریخی دارد. اغلب رفتارهای فردی و اجتماعی ماتصنعی است. افراد عادت کرده‌اند که حتی تمیینهای علمی و شناختهای تجربی را به صورت غیرمستقیم و با نقل قولهایی بدون ذکر مرجع اظهار دارند زیرا کتمان واقعیت و حقیقت یک ضرورت فرهنگی و حیاتی برای بقا انگاشته می‌شود چنین زمینه نامطلوب و ناخوشایند فرهنگی، روانی و تاریخی ما را در دستیابی و نیاز به تفکر علمی در جامعه و حتی در جامعه علمی محروم ساخته و در نتیجه امکان استفاده از ره‌آوردهای تحقیقات اجتماعی در حل مسائل و مشکلات اجتماعی سرنوشت‌ساز را به حداقل ممکن رسانده است.

۲ - بعد علمی موانعی و مشکلات تحقیق در ایران

از آن جا که روحیه تحقیق و فعالیت تحقیقاتی در ایران به صورت نهادی در نیامده و ساخت اجتماعی مطلوب خود را پیدا نکرده است، بنابراین رفتار پژوهشگرانه علمی نیز جولانگاه مناسب خود را نیافته است. در نتیجه، ذهنهای پژوهنده جامعه نیز پس از مدتی به اشکال گوناگون به هرز رفته و منشاء اثر چندانی در نسلهای بعدی و در تحقیقات بعدی نشده است. به این ترتیب حتی آثار انگشت شمار برخی از صاحبان اندیشه و محققان ایرانی نیز نتوانسته روند کلی جامعه را تحت‌الشعاع قرار دهد و زمینه ساز شکل‌گیری روحیه تحقیق و گسترش آن در جامعه باشد، روند و جریانات آموزشی و پژوهشی مجامع علمی و دانشگاهی ما تاکنون حاکی از این واقعیت بوده است. استفاده مستمر از تحقیقات دیگران، جزوه نویسی و جزوه‌گیری، گردآوری مطلب دیگران و کاربرد نتایج تحقیقات خارجیه و استفاده از الگوها و تجربیات دیگران و تجربیات شخصی در برنامه‌ریزیهای مملکتی و ملی نمونه‌یی از رفتارهای فردی و جمعی در سازمانهای برنامه‌ریزی و اجرایی و حتی در جامعه علمی ماست.

به کرات مشاهده شده است که محققانی را در زمینه‌یی آغاز کرده است، ولی در اولین گام متوجه شده که باید از مبادی آغاز کند. زیرا فعالیت کارسازی قبلاً در این زمینه صورت نگرفته

است بنابراین در اولین گام، شخص مجبور می‌شود که اولاً باید از پله اول آغاز کند و ثانیاً هر چقدر پیش می‌رود باید کلی‌تر و عام‌تر و وسیع‌تر کارش را ادامه داده و به همه پرسشها پاسخ دهد. لاجرم و ناخواسته محقق به کلی‌گویی و سطحی نگری کشانده شده و احتمالاً کارش در نیمه راه متوقف می‌شود. حال اگر فرد دیگری همان زمینه و یا زمینه مشابهی را برای تحقیق خود انتخاب کند به همان بلیه دچار می‌شود که فرد پیشین مبتلا شده بود.

این جریان نامطلوب علمی و تحقیق را در اغلب تحقیقات و تألیفات انتشار یافته محققان و نویسندگان ایرانی مشاهده می‌کنیم. چنین ویژگی فرهنگی - علمی در جامعه مانع بزرگی در راه شکل‌گیری تفکر علمی، روحیه تحقیق و پژوهندگی شده و راه را برای تحقیقات درون‌زا، خودجوش، بویا و ریشه‌دار بسته است.

حاصل چنین روندی در مؤسسات تحقیقی و در دانشگاههای ما اثری بسیار نامطلوب و ناگواری گذاشته و آنها را سازمانهای سطحی نگر، بریده از واقعیت‌های جامعه و جزیره‌های جدا از هم جلوه داده و بالاخره بصورت سازمانهای آموزشی مصرف‌کننده داده‌های دیگران درآورده و از خلایقیت، ابتکار، مدیریت درست و تفکر علمی بازداشته است.

امروزه ما در دانشگاه‌هایمان کمتر کسی را سراغ داریم که یک موضوع درسی را با توجه به تحقیقات و مطالعات خود تدریس کند و از جزوات و کتابهای دیگران به طور مستقیم استفاده نکرده باشد و شیوه دیکته‌نویسی و جزوه‌نویسی را در کلاس اعمال نکند. زیرا که سیستم اجتماعی زمینه مطلوب برای تواناییهای علمی را فراهم نساخته تا فرد به نظرات و تجربه‌های علمی خود اتکا کند. این کار در مورد نظام برنامه‌ریزی و نظام مدیریت اجرایی ما نیز صادق است. زیرا اغلب برنامه‌ریزان بدون تحقیق و مدیران اجرایی بدون برنامه‌ریزی و با اغماض از برنامه‌های تدوین شده به کار خودشان می‌پردازند.

۳ - بعد سازمانی، اداری و انسانی موانع و مشکلات تحقیق در ایران

بعد سوم از موانع تحقیق در ایران، که ملموس‌تر است و افراد بیشتر روی آن انگشت می‌گذارند، بازتاب و عوارض دو بعد از موانع تحقیق در ایران است که بدان اشاره شد.

اهم این موانع را به طور خلاصه چنین می‌توان شمرد:

۱ - وجود مقررات دست و پاگیر و بازدارنده اداری و مالی در سازمانهای اداری و حتی

دانشگاهی

۲ - ۳ کمی اعتبارات تحقیق و یا کتمان آن از طرف سازمان مربوطه، علی‌رغم توجه و عنایت مدیران جامعه به امر تحقیق و افزایش و اعتبارات آن در سالهای اخیر هنوز در کشور ما درصد بسیار پایینی از تولید ناخالص ملی صرف پژوهشها و تحقیقات علمی می‌شود. نسبت مذکور در کشور ما ۵/۰ درصد بوده است که در برنامه پنجساله اول ۶/۰ درصد ارتقاء یافته است.

۳ - ۲ گذاشتن افراد غیر متخصص و بی‌تجربه در راس واحدها و سازمانهای تحقیقی، علمی و

دانشگاهی

۴ - وجود روابط شخصی و سلیقه‌یی در واگذاری و یا انجام طرحهای تحقیقاتی

۵ - ۳ پیشداوری و تعیین نتایج تحقیقات قبل از اجرای تحقیقات برای اثبات نظرات و اغراض

شخصی و یا گروهی.

۶ - ۳ بی‌توجهی به بخش تحقیقات در سازمانها و مؤسسات آموزش عالی و فرعی داشتن این بخش نسبت به سایر بخشها.

۷ - ۳ سیطره بخش اداری و مالی بر بخشهای تحقیقاتی و یا در واقع وابستگی بخش تحقیقات هر سازمان به واحد اداری و مالی آن سازمان.

۸ - ۳ الویت دادن فعالیتهای آموزشی بر فعالیتهای پژوهشی در مدارس و دانشگاهها

۹ - ۳ حضور اجباری استادان و محققان در محل کار جهت حضور و غیاب مستقیم و غیرمستقیم که نتیجه آن دور بودن محقق از عرصه و میدان عملیاتی طرح تحقیقی است.

۱۰ - ۳ نبود زمینه انتشار گزارشهای تحقیقاتی در مراکز آموزشی و تحقیقی

۱۱ - ۳ نقد، ملموس و اضطراری بودن فعالیتهای آموزشی و نامعلوم بودن حاصل فعالیتهای

پژوهشی

۱۲ - ۳ وجود سلسله مراتب بازدارنده در پذیرش طرحها و تصویب آنها

۱۳ - ۳ کمبود محققان واقعی و علاقمند به حرفه خود و بی‌توجهی مسئولین در پرورش افراد کاردان و محقق جهت راه‌اندازی واحدهای تحقیقی و انجام طرحهای تحقیقاتی. در سال ۱۳۶۰ در برابر یک میلیون نفر جمعیت کشور تعداد ۴۸ نفر محقق وجود داشت که این رقم در سال ۱۳۶۶ به ۸۲ نفر رسید. پیش‌بینی شده است که در سال ۱۳۷۲ یعنی پایان برنامه پنجساله اول تعداد محققان کشور به ۲۵۰ نفر در یک میلیون از جمعیت برسد.

۱۴ - ۳ کمبودهای فاحش مؤسسات تحقیقی دولتی و خصوصی و مؤسسات آموزشی - تحقیقی

وابسته به مؤسسات تولیدی - صنعتی

۱۵ - ۳ واگذاری فعالیتهای تحقیقاتی به واحدهای غیر متخصص و کم تجربه

۵ - پیشنهادات

جامعه و مردم ما در گذر از بحرانهای سخت و توان فرسای ناشی از موج سوم در کشورهای کانون نیازمند به مکانیسمهایی است که از پایانی و روایی بالایی برخوردار باشد. محور موضوع چنین مکانیسمهایی گرچه دو عنصر حیاتی و اساسی یعنی مردم ایران و سیستم اجتماعی یا جامعه ایران می‌باشد. ولی شناخت عالمانه و محققانه ماهیت و کارکرد این دو عنصر جهت آگاه ساختن عنصر اولی و پویا و آماده ساختن عنصر دومی برای حرکتهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی سیاسی از اصول اولیه برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی - اقتصادی است.

مکانیسمهای بنیادین جهت گذر از بحرانهای موجود اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، علاوه بر بستر حیات اجتماعی، عبارتند از تکنولوژی و تحقیق. نهادی و بومی ساختن این دو، یکی از ضروریات توسعه اقتصادی - اجتماعی کنونی جامعه ماست. به نظر می‌رسد پیش نیاز نهادی شدن تکنولوژی در جامعه، مستلزم نهادی شدن و گسترش تحقیقات اجتماعی و آگاهی به این واقعیت است که توسعه اقتصادی - اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای اساسی و اولیه بدون شناخت جامع از سیستم

اجتماعی و ساختارهای بنیادی آن امکان ندارد. بنده در این زمینه یعنی تحقیق در شناخت اکتشافی و جامع سیستم اجتماعی ایران الگوی نظری ارائه داده و دو طرح تحقیقی کلان و استراتژیک در این زمینه به مسئولان کشور تقویم داشته‌ام.

بنابراین توصیه می‌شود که مسئولان و دست اندرکاران جامعه‌مان زمینه شایسته و همه جانبه چنین شناخت و تحقیقات را در ایران فراهم سازند. اقدامات عملی چنین پیشنهادی به شکل زیر میسر است:

- ۱ - ایجاد فضای باز فرهنگی - علمی بیشتر در مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی، جهت بررسی انتقادی و واقع بینانه در مباحث و مسایل اجتماعی ایران.
- ۲ - ایجاد و گسترش مؤسسات تحقیقات اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی.
- ۳ - اختصاص بودجه کافی برای انجام تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، آنطور که در بخش تحقیقات برنامه پنجساله اول آمده است از کل و اعتبارات تحقیقات فقط $\frac{21}{8}$ درصد به امور اجتماعی تعلق دارد.
- ۴ - واگذاری امور تحقیقاتی، برنامه‌ریزی و اجرایی کلیدی، از نظر توسعه اجتماعی - اقتصادی، به افراد براساس پنج اصل زیر:
 - الف - تخصص توأم با تعهد
 - ب - شایستگی
 - ج - تلاش و کوشش
 - د - استعداد
 - ه - اخلاق کار
- ۵ - ارتقا سطح آگاهی جامعه و مردم نسبت به نقش تحقیقات اجتماعی و تکنولوژی در توسعه اجتماعی - اقتصادی و حل معضلات اجتماعی از طریق ارتباطات و رسانه‌های گروهی.
- ۶ - حذف مقررات، قوانین و سازمانهای دست و پاگیر که مانع تحقق اهداف توسعه هستند.
- ۷ - پایه‌ریزی بانک اطلاعاتی جهت استفاده محققان اجتماعی، سازمانهای برنامه‌ریزی و اجرایی.
- ۸ - تعیین و اعلام سیاستهای توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی - سیاسی کشور و پیروی از سیاستهای مصوب
- ۹ - تضمین امنیت و حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی افراد جامعه در چارچوب قانون اساسی و قوانین حاکم بر جامعه
- ۱۰ - ساماندهی سیستم مدیریت و سیاستهای تحقیقاتی کشور و هدایت آن به سوی اهداف برنامه‌های مصوب توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه.
- ۱۱ - مقدم داشتن منافع جمع بر منافع فردی، به ویژه در مؤسسات و سازمانهای دانشگاهی، تحقیقاتی و برنامه‌ریزی

منابع و ماخذ

- ۱ - پیرنیا، حسین
تفکر علمی و توسعه اقتصادی و اجتماعی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷
- ۲ - تافلر، الوین، ترجمه شهیندخت خوارزمی، موج سوم
- ۳ - تافلر، الوین: ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر
ورقهای آینده، تهران: البرز، ۱۳۷۱
- ۴ - تودارو، مایکل، ترجمه غلامعلی فرجادی
توسعه اقتصادی در جهان سوم، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴
- ۵ - توکل، محمد:
موانع توسعه در ایران، فرهنگ توسعه، شماره یک، شهریور، ۱۳۷۱
- ۶ - رفیع‌پور، فرامرز
کند و کاو و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۷
- ۷ - رونرژ، بیوت، ترجمه محمد دادگران
مبانی پژوهش در علوم اجتماعی، تهران نشر نوآور، ۱۳۶۴
- ۸ - دوورژه، موریس، ترجمه خسرو اسدی
روشهای علوم اجتماعی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲
- ۹ - سیف‌اللهی، سیف‌الله و دیگران
موانع توسعه اجتماعی در ایران، جامعه سالم، شماره ۵، ۱۳۷۰
- ۱۰ - سیف‌الله سیف‌اللهی
تبیین فرآیند و مراحل توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران: طرح تئوریک، مقاله زیر چاپ
- ۱۱ - فوراسیه، ژان، ترجمه علی محمد کاردان،
وضع و شرایط روح علمی ۱۳۴۶
- ۱۲ - علی‌آبادی، ایرج
طریقه تفکر علمی، تهران: مروارید، ۱۳۵۴
- ۱۳ - وزارت فرهنگ و آموزش عالی
مجموعه مقالات سمینار توسعه و تحقیق، تهران ۱۳۶۸